



نظام اقتصاد اسلامی، حذف نرخ بهره پولی را پیش بینی کرده و به جای آن نرخ مشارکت در سرمایه‌گذاری و سود مورد توجه است



خلق پول‌هایی که در سیستم بانکی صورت پذیرفته یا ناترازی‌هایی که در خود بانک‌ها به وجود آمده، افزایش نقدینگی را به وجود آورده است



چگونه افزایش جریان پول می‌تواند تورم را بشود؟

استاد دانشگاه مازندران معتقد است که اگر هدایت درستی در خلق پول بانکی صورت نپذیرد، به تورم‌های شدید پولی و کاهش توان مصرف‌کنندگان منتهی می‌شود

پورفرج، دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران با اشاره به اینکه اگر هدایت درستی در خلق پول بانکی صورت نپذیرد، به تورم‌های شدید پولی و کاهش توان مصرف‌کنندگان منتهی می‌شود، یکی از دلایل اصلی ایجاد تورم، تله نقدینگی و افزایش تقاضا است. پس از بروز بحران‌های متعدد در نظام پولی و مالی کشورهای اروپایی و آمریکایی، اندیشمندان و پژوهشگران اقتصادی بتدریج بر آسیب‌ها و نقص‌هایی که در نظام‌های بانکی مبتنی بر بهره، واقع شدند. این موضوع باعث شد اقتصادهای جهانی شرایط را برای تغییر ساختارها و جانمایی شیوه‌های جایگزین بانکداری، مهیا کنند. در بین شیوه‌های بانکداری جایگزین، رویکرد بانکداری به روش PLS یا مشارکت در سرمایه‌گذاری با استقبال بیشتری رو به رو شد و کشورها دریافته‌اند که این رویکرد می‌تواند اثرات منفی عملیات بانکداری را به حداقل برساند و بروز بحران‌های پولی را به حداقل برساند.

این روش در اقتصاد اسلامی نیز مورد تأیید بوده و اقتصاددانان مسلمان و پژوهشگران اقتصاد اسلامی با تکیه بر اصول فقهی، بر این مسأله تأکید دارند که قراردادهای بانکی و اخذ اعتبارات بانکی باید رابطه خود را با بخش حقیقی اقتصاد حفظ کند. با وجود اینکه نظریات و تئوری‌های ارائه شده در رویکرد بانکداری اسلامی، امروزه در دنیا مورد توجه

قرار گرفته است و پژوهشگران اقتصادی به راهکارها و رویکردهای اسلامی در نظام پولی و مالی، توجه بسیار زیادی نشان داده‌اند، این رویکرد در ایران نتوانسته بدرستی جانمایی شود، به گونه‌ای که امروزه نظام بانکداری در ایران کاملاً اسلامی نشده و به باور بسیاری از ناظران و صاحب‌نظران این حوزه، در هیچ کدام از فرایندها و مراحل اجرایی، به صورت کامل اسلامی عمل نمی‌کند.

از طرفی بررسی نقادانه عملکرد نظام بانکداری ایران، طی سال‌های گذشته نه تنها در اجرای قواعد تعیین شده، موفق نبوده بلکه در همان شکلی که حیات یافته نیز نتوانسته در فرایند تخصیص اعتبارات و سرمایه‌گذاری، عملکرد کارایی از خود نشان دهد. اینکه ریشه مشکلات ساختاری نظام بانکداری اسلامی در ایران را کجا باید جست و جو کرد و برای اصلاح ساختارها و همسوس شدن عملیات بانکداری با رشد تولید، چه اقداماتی مورد نیاز است؟ سؤالاتی است که برای یافتن پاسخ آن با علیرضا پورفرج، دانشیار دانشکده علوم اقتصادی و اداری دانشگاه مازندران، به گفت‌وگو نشستیم.

پورفرج اعتقاد دارد ریشه نارسایی‌های موجود در نظام بانکداری ایران به بخش اجرا مربوط است و با وجود اینکه قوانین، در راستای نصب ساختارهای بانکداری بدون بهره، تنظیم شده است، اما در عمل، برخی از قواعد تعریف شده از طرف

بانک‌های ایرانی اجرا نمی‌شود. به گفته وی، هر چند که در بخش‌هایی از قوانین بانکداری اسلامی و عقود اسلامی نیازمند بازنگری هستیم، اما بیشترین مشکلات در بخش اجرا است و به طور کلی بحث اصلی این است که تا ساختارهای اجرایی بانک تغییر نکند و نوع نگاه سیستم پولی، در سیستم بانکی تغییر نکند، نمی‌توان در مورد رفع اشکالات ساختارهای نظام بانکی امیدوار بود. وی می‌افزاید که در اصلاحات باید نوع دسته‌بندی بانک‌ها نیز تغییر کند، به نحوی که بتوان تشخیص داد، بانک‌ها بر اساس کدام دسته از عقود مشارکتی یا مبادله‌ای فعالیت می‌کنند. پس از تفکیک بانک‌ها، نیاز است تا ساختارها و قراردادهای نیز به طور شفاف و متناسب با ماهیت عملکرد بانک‌ها تنظیم شود و ساختارها برای نظارت دقیق بر اجرای قراردادهای، توسعه یابد.

این پژوهشگر اقتصاد اسلامی در این خصوص می‌گوید: برای اصلاح چرخه‌های معیوب نظام بانکداری اسلامی در ایران، نیاز است دسته‌بندی بانک‌ها از بانک‌های تجاری و غیرتجاری تغییر کند و در واقع باید بتوانیم بانک‌ها را بر اساس عقود دسته‌بندی کنیم. به این ترتیب که یک دسته از بانک‌ها بر اساس عقود مشارکتی وارد جریان اقتصادی شوند و عده‌ای از بانک‌ها نیز طبق عقود مبادله‌ای، وارد فعالیت‌های اقتصادی شوند. شرح گفت‌وگوی علیرضا پورفرج، در ادامه

آمده است:

● یکی از بحث‌هایی که در اقتصاد ما مطرح می‌شود، بحث هدایت اعتباری در راستای تولید است. لطفاً ضمن توضیح این مفهوم، بفرمایید که چگونه می‌توان سیاست‌هایی اتخاذ کرد که هدایت اعتباری را در راستای رشد تولید قرار دهد؟ چالش‌ها و ناهنجاری‌های سیاست‌های اعمال شده در بحث هدایت اعتباری چیست و رویکرد

بانکداری اسلامی در این زمینه چه راهکارهایی را ارائه کرده است؟ یکی از موضوعاتی که در مجموعه سیاست‌های اقتصادی کشورها، چه در روند رشد و چه در روند رکود مطرح می‌شود، نحوه به کارگیری یا شدت به کارگیری انواع سیاست‌های پولی است و در مجموعه سیاست‌های پولی نیز نحوه فعالیت‌های بانک و سیستم بانکی مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین ترتیب، وقتی وارد مباحث بانکی می‌شویم، نکته مورد توجه آن است که این نهاد در خلق پول بسیار مؤثر است و در بررسی سازکارها و شیوه خلق پول بانک‌ها، این بحث مطرح می‌شود که اگر هدایت درستی در خلق پول بانکی صورت نپذیرد، به تورم‌های شدید پولی منتهی می‌شود که این نوع تورم نیز می‌تواند در شرایطی، کاهش توان مصرف‌کنندگان، زبان‌های ساختار اقتصادی، نابسامانی‌های فرهنگی و نابسامانی‌های اجتماعی را به دنبال

داشته باشد.

با توجه به این مقدمه، اگر بخواهیم ساختارهای پولی و بانکی در ایران را مورد ارزیابی قرار دهیم می‌توان گفت، مهم‌ترین مشکلی که در سال‌های پس از انقلاب اسلامی با آن دست به گریبان شده‌ایم، عدم مدیریت و هدایت درست منابع سیستم بانکی به سمت تولید حقیقی بوده است. از طرفی دیگر، خلق پول‌هایی که در سیستم بانکی صورت پذیرفته یا ناترازی‌هایی که در خود بانک‌ها به وجود آمده، نیز افزایش نقدینگی را به وجود آورده که این موضوع نیز در جای خود خسارت‌های زیادی را متوجه سیستم اقتصادی کشور می‌کند.

● حال سؤال و مسأله مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که سیاستگذاران پولی چگونه می‌توانند زبان‌های اعتباری را به حداقل خود برسانند و اگر نقدینگی در کشور وجود دارد، چگونه می‌توان این نقدینگی را به سمت تولید هدایت کرد؟

برای پاسخ به این سؤال، رویکردهای متعارف و رویکرد اسلامی راه‌های مشخصی مطرح کرده‌اند که در برخی بنیادها و مفاهیم، با یکدیگر تمایز دارند. یک تفاوت میان نظام پولی اقتصاد متعارف که متکی بر نرخ بهره است و نظام پولی اقتصاد اسلامی که متکی بر روش PLS یا مشارکت در سرمایه‌گذاری است، به وجود می‌آید. در نظام پولی متعارف

گفت و گو

روش هدایت نقدینگی به سمت تولید

علیرضا پورفرج، استاد دانشگاه مازندران: سؤال و مسأله مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که سیاستگذاران پولی چگونه می‌توانند زبان‌های اعتباری را به حداقل خود برسانند و اگر نقدینگی در کشور وجود دارد، چگونه می‌توان این نقدینگی را به سمت تولید هدایت کرد؟ وقتی هدایت درست اعتباری صورت نگیرد و تورم به وجود آید، نتیجه این می‌شود که شرکت‌های تولیدی، در وضعیت تورمی، قدرت خرید منابع‌شان کاهش پیدا می‌کند و به منابع جدید برای تأمین سرمایه در گردش خود احتیاج پیدا می‌کنند.

